



نگارنده این وقایع شادروان
دکتر حسین خان کحال یکی از مشروطه
خواهان مجاهد و صدیق و اهمیت این
یادداشتها از آنجاست که وی واقعه
هر روز از این انقلاب عظیم را با
شیوه‌ای خلاصه و ساده و بی‌حشو و
زوائد بهمانگونه که دیده یا شنیده در
تقویمی چایی بخط ریز نوشته است.
بنابراین از لحاظ جریان پیایی روزانه
اتفاقات و تاریخ صحیح وقوع آنها جای
هیچگونه شك و تردید نیست و میتواند
وقایع نگاران و تاریخ نویسان را
سند و حجت باشد.

گوهر

۱۳۲۶ قمری - سال بمباران مجلس و گشتن آزادی خواهان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
استبداد صغیر
پرتال جامع علوم انسانی

سه‌شنبه ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ قمری = ۵ تیرماه ۱۲۸۲ = ۲۳ ژوئن
۱۹۰۸ میلادی

بین الطلوعین قزاق قاسم آقا مهاجر مسجد سپهسالار و مجلس را محاصره کرد و با شخصیکه
در مسجد و مجلس بودند اظهار کرد که حسب الامر ما هشت نفر را باید ببریم آنچه گفتند بخرج
قزاق نرفت و اسامی هشت نفر این است تقی زاده - ملک المتکلمین - سید جمال الدین - میرزا
داودخان - مدیر صور اسرافیل - حیل المتین - مساوات و روح القدس. گفتند از مجرای قسانون

میدهم گفتند حتما باید برده شوند که صدای توپ و تفنگ بلند شد سه ربع قبل از دسته الی پنج و نیم از دسته گذشته جنگ با توپ و تفنگ بود و مجلسیان مغلوب شدند . عدد توپهای خالی شده تقریباً ۲۸۶ بود . از پنج و نیم الی چهار بغروب مشغول غارت بودند و روز چهارشنبه ۲۴ جمادی الاول خانه ظهیرالدوله را توپ بسته و غارت کردند . امکانه ایکه در واقعه ۲۳ جمادی الاول غارت کردند از این قرار است : مجلس - انجمن مظفری - انجمن همست - انجمن آذربایجان - انجمن شاه آباد - خانه سیدعلی قمی - پسر سید علی قمی - برادرزن سیدعلی قمی - دائی زن سیدعلی قمی - حاجی رضاخان مجیرالدوله - محب علی آقا میر پنج فزاق - حاجی میرزا رضاخان منشی سفارت آلمان - شیخ عبدالحسین پیش نماز - خانه ظل - السلطان - خانه وزیر اکرم - دکانهای جنب خانه ظل السلطان - جلال السلطنه نوه میرزا محمدخان سپهسالار - آقا علی خواجه جلال الدوله - میرزا تقی خان دکتر - خانه مشارالدوله - خانه شیخ علی رضا معلم مدرسه علمیه - خانه میرزا سید ابوالقاسم خان معلم انگلیسی - اطافهای طلاب مدرسه سپهسالار .

چهارشنبه ۲۴ جمادی الاول ۱۳۲۶ قمری = ۶ تیرماه ۱۲۸۷ شمسی = ۲۴ ژوئن ۱۹۰۸ میلادی

ملك المتكلمين وميرزا جهانگیرخان را که روز قبل با جمع زیادی از آزادی خواهان دستگیر کرده بیابغ شاه برده بودند نزد محمدعلی شاه برده پس از قدری سوال و جواب هر دو نفر را باطناب خفه کرده اند.

دوشنبه ۲۹ جمادی الاول ۱۳۲۶ قمری = ۱۱ تیرماه ۱۲۸۷ شمسی = ۲۹ ژوئن ۱۹۰۸ میلادی

امروز عکس ۲۲ نفر زندانیان باغشاه را زنجیر بگردن منتشر کردند اسامی آنها بشرح زیر است:

- ۱- قاضی ارداقی ۲- مدیر روح القدس ۳- میرزا حسین نوکر آقا بالاخان سردار
- ۴- شیخ ابراهیم پسر عموی روح القدس ۵- آقا مجید سیگار فروش ۶- آقا علی سرباز
- ۷- شریف صحاف ۸- میرزا محمد علی خان مدیر روزنامه ترقی ۹- مشیری باقر تبریزی
- ۱۰- حشمت نظام ۱۱- شاهزاده ناصر الممالک ۱۲- میرزا علی اکبرخان معتمد دیوان
- ۱۳- میرزا محمدعلی پسر حاجی ملك المتكلمين ۱۴- نایب باقرخان ۱۵- میرزا داودخان
- ۱۶- یحیی میرزا ۱۷- میرزا بزرگ تبریزی ۱۸- شیخ ابراهیم طالقانی ۱۹- حاجی خان خیاط
- ۲۰- علی بیگ نوکر مستشارالدوله ۲۱- حاجی محمد تقی بنکدار ۲۲- میرزا علی اکبرخان برادر قاضی ارداقی.

پنجشنبه ۳ جمادی الاخر ۱۳۲۶ قمری = ۱۴ تیرماه ۱۲۷۸ شمسی = ۲ ژوئیه

۱۹۰۸ میلادی

دستخطی اعلان شد که بعد از سه ماه مجلس شورای ملی منعقد خواهد شد و چند ورق بسفارتخانهارسماً فرستاده شد و دوسه ورق بدیوارها چسباندند فوراً آمدند از طرف دولت تماماً را از دیوارها کنند معلوم نشده مقصود چه بوده است.

شنبه ۵ جمادی الاخر ۱۳۲۶ قمری = ۱۶ تیرماه ۱۲۸۷ شمسی = ۴ ژوئیه ۱۹۰۸ میلادی

برای علماء و وکلاء شاه کالسکه دولتی فرستاده مجلانه احضار نموده خیلی اظهار مرحمت کرده و وعده تجدید انتخابات را داده.

دوشنبه ۷ جمادی الاخر ۱۳۲۶ قمری = ۱۸ تیرماه ۱۲۸۷ شمسی = ۸ ژوئیه ۱۹۰۸ میلادی

امیربهدار سپهسالار شد و مشیرالسلطنه وزیراعظم و عبداله خان سرداراکرم وزیرعدلیه - (بعد از چند روز مشیرالدوله وزیرعدلیه شد).

چهارشنبه ۹ جمادی الاخر ۱۳۲۶ قمری = ۲۰ تیرماه ۱۲۸۷ شمسی = ۸ ژوئیه ۱۹۰۸ میلادی

قاضی قزوینی (اردابی) در زیر رنجبر گفتند مرحوم شد چونکه در جراحاتش کرم افتاده (محققاً مسمومش کردند)

یکشنبه ۱۳ جمادی الاخر ۱۳۲۶ قمری = ۲۴ تیرماه ۱۲۸۷ شمسی = ۱۲ ژوئیه ۱۹۰۸ میلادی

مقتدر نظام و صنایع حضرت و سایر مقصرینیکه برده بودند بکالات در کمال جلال دولتی که کمتر فاتحی را وارد شهر کرده اند وارد تهران نموده بحضور مشرف شدند. مقتدر نظام و صنایع حضرت را منصب امیر تومانی دادند. سید کمال را ناصرالسادات و شیخ محمود و رامینی را ناصرالاسلام لقب دادند. در خانه مقتدر نظام بنای روضه خوانی است و در سمرنبر از مشروطه بدگونی میکنند.

شنبه ۱۹ جمادی الاخر ۱۳۲۶ قمری = ۳۰ تیرماه ۱۲۸۷ شمسی = ۱۸ ژوئیه ۱۹۰۸ میلادی

و کلائیکه در سفارت انگلیس پناهنده بودند تأمین جانی و مالی گرفته از ایران خارج شدند و همچنین سایر اشخاصی که در سفارت بودند. معاضدالسلطنه و آقاسید حسن تقی زاده و مدیر حبل المتین و مدیر مساوات و دخو و صدیق حرم و شیخ بهاء واعظ (دخو مقصود میرزا علی اکبر خان منشی صوراسرافیل است)

دوشنبه ۲۸ جمادی الاخر ۱۳۲۶ قمری = ۹ مرداد ۱۲۸۷ شمسی = ۲۷ ژوئیه ۱۹۰۸ میلادی

امروز اعلان مشروطیت دولت عثمانی بواسطه فشار ملی در ایران منتشر شد .
چهارشنبه ۳۰ جمادی الاخر ۱۳۲۶ قمری = ۱۱ مرداد ۱۲۸۷ شمسی = ۲۹ ژوئیه
۱۹۰۸ میلادی

رفته رفته اوضاع سابقه ظاهر شده از آن جمله گوشت در کمال فراوانی و ارزانی
(قیمت یکقران) حکم شده ولی پیدا نمی شود.

یادداشت مر بوط به نیمه دوم ماه جمادی الاول ۱۳۲۶ قمری

روز ۲۳ جمادی الاول که مسجد و مجلس را توب بستند در تمام ولایات بدستور قبلی
که از مرکز فرستاده بودند بانجمن های ایالتی و ولایتی حمله کرده تماماً را متفرق کردند و
جمعی را گرفتند (اشخاصیکه مشروطه طلب بودند بنام مقصد سنگیر شدند) در تبریز هم همین
کار را کردند . اما سوارهای رحیم خان بسی ناموسی هم کرده اسباب هیجان اهالی شده و
سوارهای رحیم خان را از شهر متفرق کردند و بطور سختی حاضر بجنگ شده اند و میگویند
اصلاً محمدعلی شاه قابل سلطنت نیست و او را نمی خواهیم تا بعدا چه شود .

پنجشنبه اول رجب ۱۳۲۶ قمری = ۱۲ مرداد ۱۲۸۷ شمسی = ۳۰ ژوئیه
۱۹۰۸ میلادی

نصر السلطنه رئیس قشون آذربایجان شده و رفت که اول اگر بشود اهالی آذربایجان را
متقاعد کرده و صلح کنند . اگر صلح نشد بهمراهی حکومت عین الدوله جنگ نمایند.

جمعه دوم رجب ۱۳۲۶ قمری = ۱۳ مرداد ۱۲۸۷ شمسی = ۳۱ ژوئیه ۱۹۰۸
میلادی

جمع قلیلی در سفارت عثمانی پناهنده شدند.

سه شنبه ۶ رجب ۱۳۲۶ قمری = ۱۷ مرداد ۱۲۸۷ شمسی = ۴ اوت ۱۹۰۸ میلادی
باشخاصیکه در سفارت عثمانی پناهنده بودند تأمین داده خارج شدند.

جمعه ۹ رجب ۱۳۲۶ قمری = ۲۰ مرداد ۱۲۸۷ شمسی = ۷ اوت ۱۹۰۸ میلادی
اشخاصیکه در سفارت انگلیسی پناهنده بودند بطور خشونت خارج کردند.

یکشنبه ۱۱ رجب ۱۳۲۶ قمری = ۲۲ مرداد ۱۲۸۷ شمسی = ۹ اوت ۱۹۰۸ میلادی
قیر سید عبدالحمید که اول وهله کشته شده بود در مسجد جمعه بکلی بهم زده استخوانهایش
را هم بردند. بنای روضه خوانی گذاشتند از قرار معلوم شیخ فضل اله بانی روضه است بخالی.

چهارشنبه ۱۴ رجب ۱۳۲۶ قمری = ۲۵ مرداد ۱۲۸۷ شمسی = ۱۲ اوت ۱۹۰۸ میلادی
آمدن ظل السلطان بتهران و رفتن پیش شاه و حرکت بفرنگستان

یادداشت نیمه اول ماه رجب ۱۳۲۶ قمری

در مسجد جمعه ترتیب روضه خوانی فراهم کرده اول وهله استخوانهای سید عبدالحمید
را که اول کشته اساس مشروطیت بود، بطور وقیح در آورده فزاق و ژاندارم بردند و از روز

بعد بعموم مشروطه خواهان صریحاً در بالای منبر لعن و بدگوئی کردند. خاصه بملك المتكلمين و رفته رفته گفتگو بمؤسسين رسیده به آنها بدگفتند و ناسزا گفتند، اطفاء حرارت نشد به حاجی میرزا حسین و حاجی میرزا خلیل و آخوند ملا کاظم و آخوند ملا عبداله که مسلم تمام مسلمین عالمند و اضحاً بدگوئی نموده سخت ترها هم گفتند و شیخ فضل اله هم بمنبر رفته بعضی حرفها زدند مبنی بر نصیحت. خلاصه مردم ملتفت اصل نکته شده که اوضاع توپخانه را میخواهند فراهم کنند و میگویند مشروطه نمیخواهیم متفرق شده مگر جمع قلبی که پول گرفته بودند. سه شنبه ۲۰ رجب ۱۳۲۶ قمری = يك شهر يور ۱۲۸۷ شمسی = ۱۸ اوت ۱۹۰۸ میلادی قاسم آقای میر پنج که در واقعه انهدام مجلس سر کرده قتل و غارت بود و بعد از فتح مجلس منصب امیر تومانی و بانصد تومان انعام بایشان داده شد گویا از طرف پالکونیک روسی جرح و تعدیلی شده است و ایشان بدگوئی کردند لهذا از تمام منصب و شغل نظامی قزاق اخراج شدند. این بصورت ظاهر بود البته در باطن مطلب دیگری است که خدا دانا است.

جمعه ۳۰ رجب ۱۳۲۶ قمری = ۱۱ شهر يور ۱۲۸۷ شمسی = ۲۸ اوت ۱۹۰۸ میلادی آنچه تا بحال بطور واضح و آشکار محقق شده دیگر خیال دادن مشروطیت ندارند و اساس روضه خوانی مسجد جمعه برای همین بود که جداً جمعی در مقابل مشروطه خواهان بگویند مشروطه نمیخواهیم. خلاصه در باغشاه هیچ کس جرأت گفتگوی مشروطه را ندارد و این خبریولایات و ایالات کم کم سرایت کرده و خود اهالی تهران که مطمئن از داشتن مجلس بعد از سه ماه بودند الحال همگی مایوس شده رفته رفته از خاموشی اول خارج شده زمزمه هائی مینمایند تا نتیجه چه شود و چه تازه ای روی کار آید. خدا دانا است. اهالی تبریز از اول انهدام مجلس الی حال مشغول دعوا و زد و خورد هستند و همیشه فتح با ملت بوده به سرکردگی ستارخان.

شوریه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی
آزادی

چند باشی بند سیم و بند زر
ای تو بستای نوبت، آزادی مکن
تا کند جولان بگرد این چمن
مثنوی مولوی قرن هفتم

بند بگل ، باش آزاد ، ای پسر
همین بملك نوبتی شادی مکن
کنده تن را ز پای جان بکن